

## جنگ آلمان و شوروی

موقعیکه استالین از ارتش سرخ خواست که قدمی بعقب نگذارد و تیموشنکو با استعمال نیروی ذخیره خود پرداخت معلوم بود که جنگ عنقریب وضع دیگری بخود خواهد گرفت. با این وصف وضع روسها در این موقع خطرناک بود. برای قطع ارتباط ارتش آلمان که در خاک قفقاز مشغول پیشروی بود از سایر نیروهای آلمانی لازم بود که روسها آرا از دو جهت مورد حمله قرار دهند ولی چون کریمه و رستف از دست رفته بود دیگر امید حمله از دو جهت بخطوط ارتباطی آلمان غیر میسر بنظر میرسید. حمله از یکطرف هم باسانی بوسیله آلمانها دفع میکردید و به چندین دلیل اگر چنین حمله ای در منطقه مابین ورونژ و بگوشار بموقع اجرا گذارده میشد منتج نتیجه ای نمی گردید. لکن مقداری دورتر یعنی در نزدیکی رأس پیچ رود دن برای ارتش شوروی وارد آوردن ضربت دو طرفه به نیروی آلمان آسانتر و میسرتر بود اما ارتش شوروی در این نقطه وسایل نفرات و ادوات جنگی کافی برای وارد آوردن چنین ضربه ای در دست نداشت.

آلمانها هم هرچوقت نمیتوانستند اجازه دهند که چنین تهدیدی از استالینگراد بر آنها وارد آید. هرچه آنها بیشتر وارد خاک قفقاز می شدند وضع آنان خطرناک تر میشد زیرا امکان حمله بجناح آنها بیشتر میگشت. از هر نقطه نظر آلمانها ناگزیر بودند که استالینگراد را اشغال نمایند البته نه تنها برای آنکه یکی از مراکز بزرگ نظامی بود بلکه بیشتر بواسطه اینکه محل تقاطع عدّه زیادی از خطوط ارتباطی روسیه را تشکیل میداد. اگر عملیات آلمانها در این نقطه آنطوریکه خود پنداشته بودند با موفقیت انجام میگرفت دیگر اشکالی برای آنان باقی نمیمانند. لکن همینکه قدرت آنان در اشغال شهر مورد تردید قرار گرفت وضع در ظرف چند روز تغییر یافت. رفته رفته معلوم شد که وضع نظامی آلمانها رضایت بخش نیست و آنها برای بهبود آن مصمم شده اند نیروئی بیش از آنچه میبایستی بمصرف رسانند در این نقطه بکار برند.

بزودی «استالینگراد» چون دملی بر بیکر ارتش آلمان شد و برای از بین بردن آن «فیلد مارشال فن موک» نیروی هنگفتی متمرکز نمود. نیروئی که نظیر آن در چنین شرایطی تا آنوقت دیده نشده بود. اقل ۸۰۰,۰۰۰ سرباز، در حدود ۳,۰۰۰ ارابه جنگی و ۳,۰۰۰ هواپیما مأمور تصرف «استالینگراد» گردیدند. نمایش یک چنین قدرتی مغز فرماندهان آلمانی را مست غرور و نخوت نمود. روزنامه «نویه تسوریخه تسایتونگ» (۱) در ۳۱ اوت ۱۹۴۲ چنین فکاشت: «اطلاعیکه از محافل نظامی «بران» بدست میآید حاکی از آنستکه «راجع بحمله آلمان در منطقه مابین «دن» و «ولگا» نباید گزارشهای غیر موافق» «رامورد قبول قرارداد» فرماندهی آلمان با افراد و افسران هنگهاییکه بتوانند وارد «استالینگراد» گردند و عده شصت روز مرخصی داده است».

با وجود این مراتب تا پایان ماه سپتامبر و حتی بعد از آن آلمانها موفق نشدند که در مواضع دفاعی «استالینگراد» رخنه کنند و امید تصرف آن شهر را بحقیقت نزدیک نمایند. موفقیت یک چنین دفاع مهمی را باید مرهون پیشرفتهای ارتش سرخ از آغاز تهاجم آلمان بخاک شوروی دانست و چون موضوع پیشرفت تا کتیک در سالهای مزبور حائز اهمیت میباشد بهتر آنست اندکی تأمل نمائیم و آنرا مورد بررسی قرار دهیم.

بزرگترین تجربه ایکه طی بیکارهای طولانی علیه نیروی زرهی آلمان بدست آمد اهمیت توپخانه ضدارابه بود. انگلیسیمهام در جنگهای «ایبی» «باین» نتیجه رسیده بودند و این خود موجب ایجاد تغییرات و تغییرات تا کتیک گردید. در انگلستان توپخانه ضدارابه در درجه اول اهمیت قرار گرفت و در روسیه توپچیان ضدارابه طوری آموزش دیده و در عمل مجرب بودند که میتوانستند در خط اول واحدهای ضدارابه قرار گیرند. هر نقطه ای را که فرماندهان روسی مایل بدفاع کامل از آن بودند توپهای ضدارابه را بقواصل زیاد و با اختفاء کامل در گودالهای مخصوصی در جلوی خط دفاعی قرار میدادند. این توپها را طوری مخفی مینمودند که آلمانها نمیتوانستند بهیچوجه از وجود آنها اطلاع حاصل کنند و موقعی آلمانها بوجود آنها میبگردند که بقاصله ۲۰ متری آنها میرسیدند. البته روسها نسبت بوضع زمین در طرز قراردادن توپها و آرایش آنها هزاران

تغییر میدادند. پیاده نظام بطور کلی در پشت توپهای ضد ارابه و توپهای دورزن در پشت پیاده نظام قرار میگرفت و اغلب اوقات نبرد را توپهای دورزن شروع مینمودند. تجربه ثابت نمود که این نوع تاکتیک فوق العاده مؤثر است و کندی پیشروی آلمان ها را در اواخر ماه ژوئیه باید بیشتر مدیون اجرای این تاکتیک جدید دانست.

بعلاوه تجارب و فتایح مأخوذه دیگری هم موجب تغییر روش تاکتیکی روسها گردید. بتجربه ثابت شده بود که هر شهر و یا هر دهکده بزرگی که یخرابه ای تبدیل و یا حتی بتل خاکی مبدل شده باشد در مقابل حمله ارابه های جنگی مانع بزرگتر و موثرتری ایجاد خواهد نمود تا اینکه آن شهر و یا آن دهکده بهیچوجه زیانی ندیده باشد. در روی خرابه های، سواستوپول، و سایر شهرها جنگهای سخت و موثری بوقوع پیوست و موقعیکه بتاریخ اولین جنگ جهانی نگاه کنیم می بینیم که این تجربه در آن جنگ هم بدست آمده بود منتها توجه باین تجربه فراموش شده و استفاده از آن موجب شکست سخت فرماندهان آلمانی گردید زیرا آنها تصور مینمودند که هر شهری را محاصره یا به بمباران تهدید نمایند باید فوراً تسلیم شود. کشف دیگر روسها این بود که با وجود سرعت حرکت فوق العاده قسمتها و توانائی حمل نیرو بوسیله هواپیما در هر سیستم دفاعی نقاط مستحکم غیر قابل نفوذ بینهایت ضروری میباشد که اینک آلمانها هم در ساختمان مواضع، خارپشتی، خوددزمستان سال قبل این نکته را مراعات و صحت آنرا نشان داده بودند. همچنین روسها در نتیجه تجربیات تلخ گذشته باین نتیجه رسیدند که هر نقطه از موضع دفاعی در عمق میبایستی بوسیله نیروی مدافع اشغال و نگاهداری گردد زیرا در موقع حمله شدید و سریع دشمن ممکنست نیروی مدافع فرصت عقب نشینی و اشغال خط پشت سر را نداشته باشد. همینکه دشمن بر اثر حمله شدید خود موفوق بدخول در منطقه دفاعی میشد پیاده نظام نمیتوانست از موضع اولیه خود بخط دوم موضع عقب نشینی نماید.

در رزمی که برای تصرف رأس خمیدگی رود «دن» در نیمه دوم اوت بوقوع پیوست می بینیم که تاکتیک ما هرانه تر و بهتری بموقع اجرا گذارده شده.

از کلتسکایا<sup>(۱)</sup>، در شمال تا کتلنیکوو<sup>(۲)</sup>، در جنوب نیروی دفن بولک، پیوسته فشار خود را ادامه داده و در عین حال دفاع روسها شدیدتر و بهتر میشد. با وجود این در ۲۳ ماه اوت آلمانها موفق شدند که از شمال خاوری ساحل رودخانه در نزدیکی کلتسکایا، عبور نمایند. روز بعد آلمانها اعلام داشتند که نیروی تقویتی هنگفتی با آنطرف رود، دن، حمل نموده اند. از طرف دیگر در قسمت جنوبی آلمانها در نقطه کتلنیکوو، موفق بایجاد شکافی در خط دفاعی روسها شده بودند. در ۲۵ ماه آلمانها ادعا نمودند که قسمت خارجی مواضع دفاعی استالینگراد، را در هم شکسته اند. هر چند صحت این ادعا مورد تردید بود معینا معلوم بود که پیکار حقیقی برای تصرف شهر آغاز گردیده است.

برای انحراف توجه آلمانها از استالینگراد، فرماندهی کل ارتش سرخ دستور داد که ژنرال ژوکوف، در جبهه مرکزی و در نزدیکی کالینین، بسوی شمال بحمله پردازد و این نقشه در ۲۵ ماه اوت بموقع اجرا گذارده شد. ژوکوف بحمله پرداخت و روسها ادعا نمودند که بیش از سه لشکر زره پوش و ۶ لشکر پیاده نظام آلمانی را بمقب رانده اند. بر اثر این موقعیت روسها توانستند جبهه خود را از ۱۵ تا ۲۰ میل بجلو منتقل سازند. در ۲۷ ماه اوت روسها مدعی بودند که در شهر رزف،<sup>(۳)</sup> رسوخ نموده اند و دو روز بعد روزنامه پراودا اعلام داشت که رزم در کوچه ها و خانه های این شهر ادامه دارد. این ادعای روسها بحقیقت کامل نزدیک نبود زیرا «رزف» با وجود کوشش فراوان روسها هنوز در دست آلمانها بود و حمله روسها فقط آنها را قادر ساخته بود که بقسمت های خارج شهر دست یافته و در قسمت های خارجی خط دفاعی آلمانها رسوخ نمایند. بزودی حمله روسها بی نتیجه ماند و علت آنرا میتوان بیشتر فقدان نیروی ذخیره کافی دانست. از طرف دیگر میتوان تصور نمود که چون روسها دریافته بودند که حمله آنها در این نقطه بهیچوجه از فشار آلمانها در خمیدگی رود، دن، نکاسته است لذا از تمقیب حمله به رزف، منصرف گردیدند. موقعیت روسها هنوز طوری نبود که بتوانند نیروی ذخیره زیادی در این نقطه بکار ببرند. آلمانها هم از طرف دیگر در تصرف استالینگراد، چنان مصمم بودند که

۱ - Kletskaya

۳ - Rzhev

۲ - Kotelnikovo

حمله روسها در نقاط دیگر بهیچوجه از فشار آنها در این نقطه نمیگاست از اینرو روسها بار دیگر بخشی کردن حملات قوی دشمن در استالینگراد، برداختند و برای نیل باین مقصود مصمم بدادن حداکثر تلفات شدند.

همانطوریکه در سال ۱۹۴۱ آلمانها دوهدف برای خود اختیار کرده بودند که یکی عبارت بود از اشغال مسکو، و دیگری از بین بردن ارتش بودیونی، و تصرف «او کرانین» در این موقع نیز دارای دو منظور بودند: تصرف استالینگراد، و هجوم به قفقاز. از طرف دیگر روسها بهیچوجه قادر بدفاع از استالینگراد، و در عین حال چاههای نفت قفقاز نبودند. در حقیقت وضع جغرافیائی قفقاز طوری بود که روسها بهیچوجه نمیتوانستند از آن ناحیه مگر با نیروئی که همانجا در دسترسشان بود دفاع نمایند، و نیز نمیتوانستند در نقطه دیگر موفقیتی بدست آورند که از دست دادن چنین ناحیه زرخیزی را جبران نماید.

تا این موقع استراتژی روسها بر اساس معطوف ساختن توجه آلمانها بسوی خاور و جنوب بمنظور مصرف نمودن نیروی خود و مصون نگاهداشتن روسیه مرکزی و صنایع ناحیه «اورال» از دستبرد آلمانها قرار گرفته بود.

با اینکه روسها در اجرای نقشه خود کاهیایی حاصل نموده بودند مهمندار این موقع مجبور گردیدند در مقابل بدست آوردن چنین موفقیتی خسارات زیادی را تحمل نمایند.

روسیها موفق شده بودند که آلمانها را بیک وضع سختی دچار سازند و بعلاوه آلمانها امیدى نداشتند که از پیشرفت سریع خود مزایائی بجز مزایای نظامی بدست آورند. بنابراین طرفین تابع جریان حوادث بودند. تصرف استالینگراد، و در دست داشتن این مرکز خطوط ارتباطی برای طرفین حائز اهمیت شد و بدینجهت هر یک در نهایت قساوت به پیکار و انهدام دیگری پرداخت.

شکی نیست که برای فرماندهی کل ارتش سرخ تصمیم مهم نشمردن ناحیه قفقاز و واگذار کردن دفاع آن بمعده نیرو و وسائلی که در آن منطقه موجود بود بینهایت تلخ و ناگوار بود. از این گذشته موقعیکه «رستف» سقوط نمود و ارتش آلمان موفق بمبورازخمیدگی رود «دن» گردید احتمال امکان دفاع قفقاز تقلیل مییافت مخصوصاً ناحیه مجاور دریای سیاه، محکوم بغنا بود مگر آنکه وسائل دفاع محلی را یا از راه دریا و یا از طریق قفقاز تقویت نمایند و چون هیچیک از

این دوراه عملی نبود لذا روسها مجبور بودند این ناحیه را بسر و پوست خود واگذارند. نقاط خاوری یعنی نواحی واقع ما بین رود «والگا» و ارتفاعات بزرگ قفقاز از لحاظ نزدیک بودن بارش شوروی دارای وضع خطرناکی بود لکن موقعی که ماه اوت آلمانها خط آهن «گراسنودار» و «استالینگراد» را قطع نمودند اوضاع خطرناکتر گردید. موقعیکه روسها در ۱۹ ماه اوت «گراسنودار» را تخلیه نمودند تنها امیدی که داشتند این بود که بتوانند حملات آلمانها را بر چاههای نفت بوسیله نیروهای محلی که در این موقع از هم جدا شده بودند موقتاً دفع نمایند. «تیموشنکو» در این مناطق در شرایط فوق العاده نامساعدی عمل مینمود و همینکه «کتلتیکور» را از دست داد وضع او بی نهایت خطرناک گردید زیرا آلمانها از این نقطه میتوانستند هم «استالینگراد» را مورد تهدید قرار دهند و هم راه رسیدن نیرو و مهمات کمکی به نیروی شوروی در قفقاز را قطع نمایند. جریان و قایم قفقاز را میتوان در این جا بطور خلاصه بیان و از شرح مجدد آن صرف نظر نمود زیرا عملیات در این منطقه بهیچوجه تأثیری در بیکار بزرگی که در «استالینگراد» بوقوع پیوست نداشت اگر چه میتوان گفت که آلمانها برای پیشروی بیشتری در قفقاز نیاز فوق العاده به نیروی واقع در «استالینگراد» داشتند.

اشغال نواحی قفقاز واقع در جنوب خاوری «رستف» بوسیله آلمانها در اواخر ماه اوت تقریباً بدون حادنه جالب توجهی انجام گرفت. آلمانها مرتباً بسوی خاور در امتداد دامنه تپه های قفقاز مشغول پیشروی بودند در حالیکه نواحی نزدیک دهانه «کوبان» (۱)، و ساحل دریای سیاه، را اشغال میکردند. در روزهای اول ماه سپتامبر آلمانها در طول ساحل بطرف «آناپا» (۲)، و «نوروسیسک» با کمال موفقیت مشغول پیشروی بودند و در انتهای هفته اول ماه ادعا نمودند که «نوروسیسک» را تصرف کرده اند لکن بطور تحقیق نمیتوان تاریخ اشغال شهر را بوسیله ارتش آلمان تعیین نمود زیرا حتی چند روز پس از اعلام آلمانها روسها ادعا نمودند که در داخل و یا خارج شهر مشغول ادامه جنگ میباشند. جنگ در «نوروسیسک» را تا اندازه ای میتوان بجنگ در «سواستوپول» تشبیه

عمود البته نه بآن شدت و طول مدت زیرا هیچیک از طرفین نیرو و ادوات جنگی بان اندازه در اختیار نداشت. تنها عملی که آلمانها قبل از تخلیه کامل شهر بوسیله روسها موفق بانجام آن شدند تصرف تپه های واقع در قسمت شمالی این بندر و شرف برلنکر گاه بود و چون دریافتند که اشغال این مواضع موجب آن گردیده است که روسها دیگر نتوانند لشکر گاه را مورد استفاده قرار دهند لذا ادعای تصرف شهر را منتشر ساختند.

باین وصف تصرف نوروسیسک، را نباید حقیر شمرد و اهمیت اشغال این شهر بوسیله آلمانها از خبری که در رادیوی برلن، بشرح زیر منتشر گردید کاملاً مشهود میگردد:

• پیشروی بسوی لشکر گاه در کوچه های شهر ادامه دارد: آتش همه جا •  
 • را فرا گرفته و ستونهای دودبر فراز خانهها سایه میافکند. خیابانها از اجساد •  
 • کشتگان مملو و تلفات روسها فوق العاده است. غرش توپهای تعرضی پیاده •  
 • نظام و ضد ارابه ملباسهای انفجار بمبها آمیخته و آهنگ مرگباری ایجاد •  
 • مینماید. در جلو توپها حمله بایجاد نظام و قسمت های مهندس با شعله افکنها •  
 • و مواد منفجره و مسلسل خانه بخانه ادامه دارد. پیشروی در کوچه ها و •  
 • خیابانها قدم بقدم اجرا میگردد و روسها چاره ای ندارند مگر اینکه یا تسلیم •  
 • شوند و یا خود را بدمیافکنند.

شکی نیست که از دست دادن بندر، نوروسیسک، زیان بزرگی به نیروی دریائی سرخ وارد آورد زیرا این بندر برای نگاهداری ناوهای بزرگ مساعد و دارای کلیه وسائل لازم بود با این وصف نمیتوان آنرا ضربه قطعی و نهائی شمرد زیرا روسها هنوز دارای بندر توآپسه (۱)، ، باتوم، (یکی از بندر مستحکم و دارای کلیه وسائل لازم) و بندر کوچک پوتی (۲)، در دریای سیاه، بودند. بعلاوه سخوم (۳)، و آناکلیا (۴)، دو بندر دیگر میتوانند برای ناوهای از در افکن و سایر ناوهای کوچک مورد استفاده قرار گیرند.

بدون شک نقشه روسها این بود که ابتداء در خط رودخانه کوبان، تا حد ممکن دفاع نمایند و سپس به تپه های قفقاز که در آنها عده قلیلی میتوانند در مقابل

۱ - Tuapsé

۳ - Sokhum

۲ - Poti

۴ - Anaklia

تعداد زیادی پایداری نمایند عقب نشینی نکنند. روسها بنگاهداری «نوروسیسک» کاملاً امیدوار بودند لیکن امید زیادی بحفظ «گروزنی» (۱) نداشتند معذالک سرانجام موفق بنگاهداری آن شدند. قلت نیروی روسها را در ناحیه بین قفقاز و دریای سیاه، میتوان از اعلامیه های آنها درك نمود که پیوسته نغزات این نیرو را «ملوانان» خطاب مینمودند و اینها قسمتی از «ملوانان» نیروی دریائی سرخ در دریای سیاه، و افراد نیروی هوائی بودند که میتوانند بجنگهای زمینی گماشته شوند. در بقیه روزهای ماه سپتامبر آلمانها پیشرفت مختصری نمودند و ظاهراً مشغول تجدید مهمات و ادوات جنگی خود بودند. در جنوب «نوروسیسک» روسها برعکس پایداری بیشتری ابراز داشتند حتی در برخی از نقاط بحملات مقابله پرداختند. در قفقاز مرکزی که ارتش آلمان بیای تپه های آن رسیده بود تغییری مشاهده نمیشد و در «مازدوک» (۲)، عملیات بطور کلی متوقف شده بود. در اینجا ذکر این نکته بی مناسبت نیست که عده ای از جوانان پر حرارت نیروی «آلپین» آلمان از کوه البروز (۳) بزرگترین قله ارتفاعات قفقاز بالا رفته پرچم نازی را نصب نمودند.

زمستان کم نزدیک میشد و ارتفاعات قفقاز رفته رفته بوسیله برف پوشیده میشد. چون بزودی برف گردنه ها و معابر کوههای قفقاز را مسدود میساخت لذا آلمانها نمیتوانستند بحملیه سختی مبادرت نمایند و تنها بتمهیه مقدمات حمله بچاه های نفت «گروزنی» قناعت نمودند.

تاتیسام

مقاله جامع علوم انسانی

۱ - Grozny

۲ - Mozdok

۳ - Elbrouz